

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال نوزدهم، شماره یازدهم، بهمن ۱۳۹۸، ۲۹۹-۳۱۵

نقد و بررسی کتاب گل‌نبنشته‌های باروی تخت جمشید (جلد دوم، متن‌های A-G)

لیلا مکوندی*

چکیده

در این نوشتار جلد دوم کتاب گل‌نبنشته‌های باروی تخت جمشید بررسی و نقد شده است. کتاب مورد بحث ترجمه فارسی و انگلیسی بخشی از الواح عیلامی منتشر نشده بایگانی باروی تخت جمشید (متن‌های A-G) است که سال‌ها پیش ریچارد هلک خواننده بود و عبدالمجید ارفعی آن‌ها را ویرایش و ترجمه کرده و با همکاری مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و پژوهشگاه میراث فرهنگی منتشر کرده است. در مقاله پیش‌رو، کتاب از نظر خوانش و ترجمه ارزیابی و نقاط قوت و ضعف آن بررسی شده است. اما جدا از همه این مسائل، چالش عمده مسئله انتشار الواح با وجود اعلام رسمی عدم رضایت مؤسسه شرق‌شناسی شیکاگو در جایگاه صاحب امتیاز علمی پروژه به «مترجم و ویراستار» و ناشران است. این مسئله به معنای رعایت نکردن اخلاق علمی آن هم از طرف دو مرکز مهم علمی کشور در حوزه علوم انسانی است و ارجاع به کتاب را در سطح بین‌المللی برای پژوهش‌گران با مشکل مواجه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: هخامنشیان، عیلامی هخامنشی، گل‌نبنشته‌های باروی تخت جمشید، ریچارد هلک، عبدالمجید ارفعی.

* دکترای باستان‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان، makvandi.l@kashanu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۶

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

۱. مقدمه

جیمز هنری بریستد (James Henry Breasted)، رئیس وقت مؤسسه شرق‌شناسی شیکاگو، در چهارم مارس ۱۹۳۳م (۱۴ اسفند ۱۳۱۲ش) تلگرامی با این مضمون از ارنست هرتسفلد، سرپرست کاوش تخت‌جمشید، دریافت کرد: «صدها، شاید هزارها متن تجاری عیلامی از صغه به‌دست آمد».

الواح کشف‌شده در دو اتاق کوچک در ضلع شمال شرقی تخت جمشید در بخش بارویی آن به‌دست آمده بود که به همین دلیل «بایگانی باروی تخت جمشید» نام گرفت. کاوش در محل کشف الواح حدود چهار ماه و تا پایان ژوئن ۱۹۳۳ (اوایل تیر ۱۳۱۳) ادامه یافت. سپس، مقرر شد تا بایگانی برای مطالعه به مؤسسه شرق‌شناسی برده شود. از سال ۱۹۳۷م، گروهی چهارنفره به سرپرستی آرنو پوبل (Arno Poebel) و با همکاری جورج کمرون (George Cameron)، پیر پوروز (Pierre Pourez)، و ریچارد هلک (Richard Hallock) کار مطالعه و خوانش الواح را آغاز کردند که حاصل کار آن‌ها خوانش ۱۵۴ لوح بود (Stolper 2017b: XLV). پس از مدتی، ریچارد هلک به‌تنهایی مطالعه متن‌های بایگانی بارو را، به‌جز وقفه‌ای کوتاه در زمان جنگ جهانی دوم، تا واپسین روزهای عمرش در ۱۹۸۰م ادامه داد. حاصل حدود چهل سال پژوهش هلک خوانش بیش از ۴۸۰۰ متن عیلامی هخامنشی بود که ۲۰۸۷ متن در سال ۱۹۶۹م منتشر و ۳۳ متن جداگانه در مقاله‌ای در ۱۹۷۸م منتشر شد. با وجود این که هلک سال‌ها به‌تنهایی روی این مجموعه کار کرد، اما معتقد بود که «هیچ شخصی به‌تنهایی نمی‌تواند این متن‌ها را مطالعه کند و کار بر روی آن‌ها نیازمند همکاری افراد بسیاری با تخصص‌های مختلف است» (Hallock 1960: 90). با درگذشت هلک در سال ۱۹۸۰م، برای مدتی سرپرستی پژوهش‌های دانشگاه شیکاگو به پروفیسور متیو استالپر (Matthew Stolper) سپرده شد که وی به‌ویژه از سال ۲۰۰۴م، که دعوی حقوقی بر سر این مجموعه در آمریکا آغاز شد، تلاش کرد که گروهی از پژوهش‌گران علاقه‌مند در حوزه خوانش متون عیلامی هخامنشی، خط آرامی، و پژوهش‌گران تاریخ هنر و باستان‌شناس را گرد هم آورد و پروژه مهم PFA مخفف بایگانی باروی تخت جمشید (Persepolis Fortification Archive) از آن زمان آغاز به کار کرد^۱ و حاصل آن برگزاری دو سمینار بین‌المللی، چندین کتاب، و ده‌ها مقاله است که متأسفانه سهم پژوهش‌گران ایرانی در این حوزه بسیار ناچیز است.^۲

بایگانی باروی تخت جمشید یک بایگانی حکومتی متعلق به سال ۱۳ تا ۲۸ پادشاهی داریوش اول (۴۹۳-۵۰۹ پم) در حوزه مرکزی قلمرو هخامنشی است. آنچه بایگانی بارو

را در مقایسه با بایگانی‌های دیگر اداری هخامنشی متمایز می‌کند، تنوع زبانی، تنوع در محتوای متون، و هزاران نقش مهر بر الواح است. به‌ویژه در سه دهه اخیر پژوهش‌گران علاقه‌مند به مطالعات هخامنشی را بیش از پیش به خود جلب کرد. از اواسط دهه ۱۹۸۰م با پایه‌گذاری کارگاه‌های «مطالعات هخامنشی» به سرپرستی هلن سنسیسی ویردنبورخ (Heleen Sancisi-Weerdenburg) در دانشگاه خرونیگن (Groningen) و لایدن (Leiden) هلند و کرسی هخامنشی پی‌یر بریان (Pierre Briant) در کولژ دو فرانس (Colledge de France) پاریس رویکرد مستقلی در مطالعات هخامنشی شکل گرفت. این رویکرد به‌شدت بر مطالعات تحلیلی دوره هخامنشی و مقایسه‌های تطبیقی اثرگذار بود و همین مسئله بایگانی باروی تخت جمشید را بیش از پیش به‌منزله یکی از اصلی‌ترین منابع اولیه مطالعاتی موردتوجه پژوهش‌گران قرار داد که حاصل آن پیشرفت‌های مهمی در زمینه خوانش متون عیلامی هخامنشی و بازبینی پژوهش‌های گذشته (Henkelman 2008; Tavernier 2007; Stolper 2017b)، تحلیل و بررسی ساختار چندزبانی بایگانی بارو (Tavernier 2008)، کارکرد نقش مهرها (Garrison 2008; 2017)، و انتشارات متعدد در زمینه تحلیل متن‌ها با موضوعات مختلف است.^۳ در واقع پژوهش‌های تحلیلی درباره متن‌های بایگانی باروی تخت جمشید و مقایسه آن‌ها با متن‌های دیگر بایگانی‌های هخامنشی، مدارک باستان‌شناسی، و متون تاریخی کلاسیک در سه دهه اخیر سبب پیشرفت‌های مهمی در مطالعات هخامنشی و خط و زبان عیلامی شده است.

با مروری بر آثار منتشرشده در این حوزه، می‌توانیم آن‌ها را به دو گروه تقسیم کنیم. گروه نخست که می‌توان آن‌ها را انتشارات پایه‌ای دانست، شامل خوانش الواح، معرفی، و انتشار مهرهاست که هدف اصلی این گروه ارائه تحلیل‌های تخصصی نیست و به‌دلیل حساسیت کار، خصوصاً در زمینه خوانش متن‌ها، به صرف زمان و دقت بسیاری نیازمند است. گروه دوم مطالعات تحلیلی بر انتشارات گروه نخست است که در آن طیفی از پژوهش‌گران علاقه‌مند، متناسب با حوزه تخصصی خود، به پژوهش و مقایسه تطبیقی متن‌ها و مهرها می‌پردازند. کتاب موردبحث در گروه نخست قرار می‌گیرد.

۲. معرفی کتاب

گل‌نشته‌های باروی تخت جمشید درزمره آثار پایه‌ای قرار می‌گیرد و هدف آن انتشار مجموعه‌ای از متن‌های منتشرنشده بایگانی بارو بوده است. این کتاب، همان‌طور که در

مقدمه آن ذکر شده، شامل متن‌های خوانده‌شده ریچارد هلک است که با درگذشت وی در نوامبر ۱۹۸۰م منتشر نشده باقی مانده و عبدالمجید ارفعی در سمت «مترجم و ویراستار» دست‌نوشته‌های استاد خود را از طریق پژوهشگاه میراث فرهنگی و با همکاری مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی در دو بخش و به‌عنوان جلد دوم اثر پیشین خود (که به گروهی دیگر از متن‌های باروی تخت جمشید موسوم به متن‌های مجموعه تهران اختصاص داشت) منتشر کرده است. کتاب حاضر، که در سال ۱۳۹۵ با همکاری چند نهاد و با چاپی باکیفیت و در قریب به هزار صفحه منتشر شده است، ظاهراً سه مجلد دیگر شامل دیگر متن‌ها خواهد داشت. هلک متن‌ها را با توجه به تنوع محتوایی آن‌ها به ۳۲ گروه از A تا W تقسیم‌بندی کرد که برخی از گروه‌ها زیرمجموعه‌هایی نیز دارد. در کتاب حاضر، از نظر ساختاری از روش کار هلک پیروی شده و شیوه ترجمه و واژه‌نامه کاملاً منطبق با کتاب متن‌های بایگانی باروی تخت جمشید هلک است که در ۱۹۶۹ منتشر شده بود (Hallock 1969). دست‌نوشته‌های منتشرشده هلک شامل ۲۵۸۶ لوح بود (Henkelman 2008: 69) که ۳۳ متن آن را خود وی در یک مقاله در ۱۹۷۸ منتشر کرد (Hallock 1978). کتاب موردبحث به الواح گروه A تا G اختصاص دارد که ۶۴۷ متن در مجموعه دوبخشی حاضر انتشار یافته است.

۳. انتشار کتاب و مسئله رعایت اخلاق علمی

در پاراگراف دوم پیش‌گفتار کتاب (با‌عنوان سرآغاز)، که در ابتدای بخش اول به انگلیسی و در ابتدای بخش دوم به فارسی آورده، اشاره شده که برای چاپ مجموعه موافقت مؤسسه شرق‌شناسی شیکاگو را دریافت کرده است. در حالی که کریستوفر وودز (Christopher Woods)، رئیس مؤسسه شرق‌شناسی شیکاگو، طی نامه‌ای در دو نسخه انگلیسی و فارسی مورخ ۲۷ نوامبر ۲۰۱۷م به سیدمحمدکاظم موسوی بجنوردی، رئیس دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، و سیدمحمد بهشتی، رئیس پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی، و گردشگری مراتب اعتراض خود را به انتشار دست‌نوشته‌های ریچارد هلک اعلام کرده و خواستار توقف انتشار مجموعه شده بود. گفتنی است در عرف ملی و بین‌المللی، نتایج حاصل از هر کار علمی، که با بودجه یک دانشگاه یا مرکز تحقیقاتی انجام شود، متعلق به آن دانشگاه و مرکز تحقیقاتی است و آن‌ها صاحب امتیاز علمی آن محسوب می‌شوند. این مسئله در مورد الواح بایگانی باروی تخت جمشید نیز صدق می‌کند. اگرچه

الواح به شکل امانت در اختیار مؤسسه شرق‌شناسی بوده‌اند، اما حق انتشار نتایج کارها و پژوهش‌ها با پژوهش‌گران و هم‌چنین مؤسسه شرق‌شناسی است. متأسفانه نادیده گرفتن این مسئله، که در هیچ جای دنیا امری قانونی و پذیرفته نیست، سبب خدشه‌دار شدن وجهه علمی مراکز علمی و پژوهشی کشور و پژوهش‌گران ایرانی در سطح بین‌المللی می‌شود. از آن‌جاکه در حوزه مطالعات بایگانی‌های باستانی بنابه دلایل متعدد انتشار مجموعه‌ها به‌کندی پیش می‌رود، بسیاری از مجموعه‌ها با وجود گذشت چندین دهه از ترجمه آن‌ها هنوز منتشر نشده‌اند. بنابراین، در میان پژوهش‌گران این حوزه معمول است که متن‌های منتشر نشده را در اختیار یک‌دیگر و دانشجویانشان قرار می‌دهند تا کار مطالعات تحلیلی و تطبیقی متوقف نشود. تمامی استادان، پژوهش‌گران، و دانشجویانی که از زمان درگذشت هلك تا به امروز در زمینه بایگانی بارو کارهای مختلف پژوهشی انجام داده‌اند با حسن نیت مؤسسه شرق‌شناسی و متیو استالپر، سرپرست پروژه، متن‌ها و مهرهای منتشر نشده در اختیارشان قرار گرفته، ولی آیا اخلاق علمی اجازه می‌دهد هر یک از آن‌ها در صورت مهیا بودن شرایط اقدام به انتشار آن‌ها کنند؟ تأسف برانگیزتر آن‌که تصاویر الواح کتاب از مجموعه تصاویری گرفته شده است که مؤسسه شرق‌شناسی با حسن اعتماد در اختیار پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی نهاده بود. بی‌شک اگر چنین رویه‌ای الگوی پژوهش‌های علمی کشور شود که به اصطلاح دیگر «سنگ روی سنگ بند نمی‌شود».

۴. ارزیابی و نقد محتوای کتاب

درباره محتوای کتاب گل‌نیشته‌های باروی تخت جمشید، نخست در یک بخش به بررسی ساختار کلی کتاب از جنبه روش کار و کتاب‌شناسی می‌پردازیم و در بخش دوم خوانش و ترجمه متن‌ها با ذکر مثال‌هایی در زمینه تحول علمی در خوانش متن‌ها، کاربرد اصطلاحات، و ترجمه به فارسی آن‌ها بررسی می‌شود. در بخش سوم نیز به بحث درباره مهرهای روی الواح و روش شناسایی آن‌ها در کتاب خواهیم پرداخت.

۱.۴ ساختار کلی کتاب

چنان‌که گفته شد، کتاب گل‌نیشته‌های باروی تخت جمشید کاملاً از نظر ساختاری مشابه کتاب الواح بایگانی باروی تخت جمشید هلك است. هلك برای شناسایی ۲۰۸۷ متنی که

منتشر کرد به آن‌ها کد اختصاری PF مخفف Persepolis Fortification به معنای «باروی تخت جمشید» داد که امروزه هر لوح بر مبنای همین شماره شناخته می‌شود. پس از آن برای ۳۳ لوح دیگری که در ۱۹۷۸ منتشر کرد کد اختصاری Pfa را به کار برد و برای مجموعه الواحی که بخشی از آن‌ها در کتاب مورد بحث منتشر شده کد اختصاری PF-NN را به کار برده است. این متن‌ها در سطح بین‌المللی با کد اختصاری NN و با همان شیوه شماره گذاری هلک شناخته می‌شوند و در همه پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر انجام شده با کد NN معرفی و تحلیل می‌شوند. از اشکالات عمده و سردرگم کننده کتاب حاضر این است که نویسنده عرف بین‌المللی شناخت الواح را نادیده گرفته و کد اختصاصی خود را به الواح داده و در مقدمه بیان می‌کند که شماره الواح را از PF 2087، که آخرین شماره متن در کتاب هلک است، ادامه داده و اولین متن در کتاب با شماره PF 2088 آغاز می‌شود. اما سؤالی که پیش می‌آید این است که تکلیف ۳۳ متن دیگر منتشر شده هلک چه می‌شود. آیا نباید آن‌ها را نیز به ۲۰۸۷ متن اضافه می‌کرد؟ از سوی دیگر، این مسئله پژوهش‌گران را که این الواح را با کد NN می‌شناسند، در استفاده از کتاب سردرگم می‌کند، زیرا برای یافتن لوح مورد نظر خود باید وقت زیادی را صرف جست‌وجو در فهرستی کنند که نویسنده در ابتدای بخش مربوط به هر گروه متنی آورده و کدهای خود را با شماره‌های هلک منطبق کرده است.

یکی از نقاط ضعف کتاب گل‌نشته‌های باروی تخت جمشید کتاب‌شناسی ضعیف آن است که به حدود یک صفحه محدود می‌شود و برخی از منابع ذکر شده نیز هیچ ارتباطی با موضوع کتاب ندارند. نشانی‌ها از کتاب‌ها و مقاله‌های فراوان منتشر شده در این زمینه در چند دهه گذشته نیست و حتی به همان کتاب‌ها و مقالات اندک ذکر شده در بخش کتاب‌شناسی نیز در هیچ‌جا از دو جلد کتاب ارجاع داده نشده است. هم‌چنین در بخش‌هایی از کتاب به نظرهای برخی محققان اشاره می‌شود، اما نه ارجاعی ذکر شده و نه در کتاب‌شناسی می‌توان اثر مورد ارجاعی از آن محققان یافت. برای مثال، در پی‌نوشت انتهایی متن PF 2377/ NN 230 در صفحه ۴۱۷ بخش یک جلد دوم نویسنده در بخش b به نظریه دیگر محققان اشاره می‌کند، اما ارجاع دقیق نظر آن‌ها را ذکر نکرده است. در همین متن به خوانش استالپر و جونز اشاره دارد، اما بدون ارجاع.

نکته قابل ذکر آن‌که، زمانی که هلک کار مطالعه و خوانش متن‌های بایگانی بارو را آغاز کرد، هنوز مطالعات عیلامی هخامنشی و بایگانی‌های هخامنشی در آغاز راه بود و کم‌تر نمونه قابل مقایسه‌ای وجود داشت. چنان‌که خود هلک بیان می‌کند، هدفش از ترجمه الواح

در دسترس قرار دادن آن‌ها برای همه است (Hallock 1969: 3). با همه کمبودها، هلک از نظریات پژوهش‌گران هم‌دوره خود حتی به نحو شفاهی بهره گرفت که می‌توان آن را در بخش‌های مختلفی از کتابش در اشاره به نظریات کمرون در حوزه زبان عیلامی، گرشویچ درباره اصطلاحات و نام‌های ایرانی، بومن (Bowman) در حوزه زبان آرامی دید. مترجم و ویراستار کتاب حاضر هم در پیش‌گفتار از کمک دیگر متخصصان یاد می‌کند، اما درباره عیلامی با تورق کتاب مورد بحث تصور می‌شود که مطالعات روی بایگانی باروی تخت جمشید از زمان مرگ هلک در ۱۹۸۰م تاکنون جز در موارد بسیار جزئی متوقف بوده و هیچ پیش‌رفتی حاصل نشده است. مترجم، سهوی یا عمدی، تمام آثار مهم در این زمینه طی سه دهه گذشته را نادیده گرفته است. در حالی که پروژه بایگانی باروی تخت جمشید از سال ۲۰۰۴ با تمرکز بر روی مطالعه متن‌های عیلامی، متن‌های آرامی، و نقش مهرها و انتشار آن‌ها به سرپرستی متیو استالپر و با مشارکت گروهی از متخصصان به نام در این حوزه مشغول به فعالیت است و گزارش‌های سالانه از پیشرفت پروژه تا پایان سال ۲۰۱۸ منتشر شده است. برای مثال، واژه‌نامه کتاب شامل نام‌های شخصی، جای‌نام‌ها، و اصطلاحات است که در صفحات ۹۰۳-۹۳۷ و ۲۷-۴۹ بخش دوم کتاب آمده و با واژه‌نامه هلک در سال ۱۹۶۹ انطباق دارد، در صورتی که پس از آن چندین مجلد ارزش‌مند نگاشته شده که می‌توان به واژه‌نامه دوجلدی عیلامی هینتس و کخ (Hinze and Koch 1986)، کتاب نام و اصطلاحات ایرانی تاورنیه (Tavernier 2007)، و دیگر آثار منتشر شده، که به تفصیل در کتاب‌شناسی همین مقاله آمده است، اشاره کرد که در همه آن‌ها از متن‌های منتشر نشده هلک استفاده شده است.

ذکر کردن یادداشت‌های شخصی هلک در پی‌نوشت برخی از متن‌ها از دیگر اشکالات کتاب است؛ مثلاً در پی‌نوشت PF 2361/ NN 1117 هلک در توصیف مهر PFS 40 در مقابل آن نوشت «نقش بهتر [ی که در آن] کتیبه بهتر مشخص است» که نشان‌دهنده یک یادداشت شخصی است که هر محقق در کنار دست‌نویس‌هایش می‌نویسد و انتشار آن‌ها در یک کار علمی در دنیای امروز جایی ندارد و بهتر بود که در ویرایش متن‌ها این یادداشت‌های شخصی در کنار متن‌ها منتشر نمی‌شد.

۲.۴ خوانش گل‌نشته‌ها

مترجم و ویراستار در سرآغاز کتاب اشاره دارد که با استفاده از تصاویر الواح دست‌نوشته‌های هلک را ویرایش کرده است. باید گفت که درباره الواح، به دلیل

محدب بودن آن‌ها، کار بسیار مشکلی است؛ به همین دلیل برای خوانش درست لازم است کار روی اصل لوح انجام شود، نه تصویر یا حتی مولاژ. هلک پس از این که متن یک لوح را می‌خواند، در آوانویسی متن در کنار هجاهایی که شک داشت یا آن را نیازمند بازبینی مجدد می‌دانست، علامت سؤال می‌گذاشت. این مسئله در مورد یک کلمه یا حتی بعضی از خطوطی که ساییدگی داشت و تاحدی ناخوانا بود نیز صدق می‌کرد یا در برخی موارد یادداشت‌های کوتاهی نیز کنار آن می‌نوشت تا در بازبینی مجدد لوح به همه این موارد دقت داشته باشد. اکنون ووتر هنکل من در مؤسسه شرق‌شناسی شیکاگو در حال بازبینی دست‌نوشته‌های هلک و تطبیق تک‌تک متن‌ها با لوح اصلی است و موفق شده بسیاری از علامت‌ها یا کلمات مورد شک هلک را بخواند یا برخی خطوط ناقص خوانده‌شده را کامل کند. اما در کتاب مورد بحث به دلیل این که «مترجم و ویراستار» کتاب از نسخه‌های کپی خوانش هلک استفاده کرده، هیچ‌یک از اصلاحات جدید را ندیده است و متن‌ها به همان صورت با علامت سؤال‌ها و یادداشت‌های هلک، که نیازمند بازبینی است، منتشر شده‌اند. با توجه به این که هنوز متن‌های بازبینی شده از سوی مؤسسه شرق‌شناسی شیکاگو منتشر نشده، در این مقاله مثال‌ها از مجموعه ۲۰۷ متنی، که در بخش بایگانی بارو در سایت achemenet ارائه شده،^۴ انتخاب شده است.

پیش از ذکر مثال‌ها، باید به این نکته اشاره کرد که اکنون در آوانویسی کتیبه‌ها و متون میخی شناسه‌هایی که پیش از نام‌های شخصی، مکان جغرافیایی، نام خدایان، سال، ماه، و بعضی کالاها در کتیبه آمده به صورت حرف کوچک و بالانویسی قبل از آن نام می‌آورند، اما در کتاب حاضر هنوز از شیوه قدیمی مورد استفاده هلک پیروی شده است. هم‌چنین نوع شناسه‌ها نیز در صورت‌های آوانویسی جدید متون عیلامی هخامنشی تغییر کرده است. برای مثال، پیش از نام‌های شخصی در گذشته m و اکنون HAL^۵، پیش از نام مکان در گذشته h و اکنون AS^۶، و پیش از نام سال و ماه در گذشته d و در حال حاضر AN^۷ به کار می‌رود.

آوانویسی کامل متن PF 2129 یا همان NN 1581 از گروه A برای مقایسه در زیر آمده است. ستون سمت چپ آوانویسی هنکل من براساس تطبیق متن هلک با لوح اصلی و ستون سمت راست آوانویسی متن در کتاب مورد بحث است. در خط سوم لوح در خوانش هلک بخش دوم کلمه [a(?)^b] محل شک بوده که در بازبینی هنکل من HAL^۵mar⁻tam₅ خوانده شده، در خط ۱۱ نام ماه در نسخه قدیمی d.ba-ke و در بازبینی هنکل من AN^۷ba-gi- است.

خوانش هتکلمن از روی متن اصلی	خوانش هلک با ویرایش ارفعی
Obverse	
(01) 3 ME mar-ri-iš ^{·GIŠ} [GEŠTIN [?]]	1. 3 ME mar-ri-iš ^{·w} [GEŠTIN(?).]
(02) ^{MEŠ} HAL ma-um- ^{·ba} [?] [-x]-	2. lg. m.Ma-um-b[a(?) ^a -x-]
(03) ra hi-še ^{HAL} mar- ^{·tam} [?]	3. ra hi-še m.mar-d[a(?) ^b]
(04) ^{HAL} ba-ti-iš-ma- ^{·ri} -	4. m.ba-ti-iš-ma- ^{·ri} -
(05) iš ^{HAL} kam-bar-ma šá-	5. iš m.kam-bar-ma šá-
(06) ra-ma hu-pír-	6. ra-ma hu-pír-
(07) ri ^{·du} -iš-da	7. ri ^{·du} -iš-da
Lower edge	Edge
(08) ^{AS} ak-ku-ba-an-	8. h.Ak-ku-ba-an-
(09) mar ^{AS} ap-pi-iš-	9. mar h.Ap-pi [·] -iš-
Reverse	Rev.
(10) tap-da-an ku-iz-za	10. tap-da-an ku-iz-za
(11) ^{AN} ITI ^{MEŠ} AN ^{·ba} -gi-	11. d.ITI.lg d.ba-ke-
(12) ia-ti-iš ^{AS} be-ul	12. ya-ti-iš h.be-ul
(13) 21-me-man-na ^{HAL} na-	13. 21-me-man-na m.Na[-]
(14) su-uk ^{·ka} ₄ a-ak ^{HAL}	14. su-uk(!) ^d -ka a-ak m[.]
(15) šá-ri-za du- ^{·iš} -	15. šá-ri-za du-i[š-]
Upper edge	u.e
(16) da	(16) da

متن NN 1581 علاوه بر چند تغییر اشاره شده در بالا از نظر ترجمه نیز چندین اشکال دارد. اصطلاح شَرَمَنَه šaramana از عناوین شغلی بسیار مورد بحث در بایگانی بارو است که متخصصان نظریات متعددی درباره آن مطرح کرده‌اند. هلک آن را تقسیم‌کننده یا شخصی مسئول تقسیم جیره‌ها ترجمه می‌کند. اما از آن‌جاکه در مواردی تقسیم‌کننده از نظر محتوایی با محتوای متن هم‌خوانی ندارد و گاه این عنوان شغلی برای اشخاص خاصی به کار برده می‌شود که مقام مهمی در ساختار اداری بایگانی بارو دارند، برخی معتقدند که شَرَمَنَه را در مواردی می‌توان به معنای مسئول یا سرپرست دانست. بنابراین، در این متن نیز کَمَبَرَمَه (گیرياس) سرپرست است نه تقسیم‌کننده شراب. نکته دیگر این‌که، در خط ۱۱ نام ماه هفتم Bāgayādiš به صورت ba-gi آورده شده که به اشتباه ماه ششم ترجمه شده است.

نمونه دیگر متن PF 2534 یا همان NN 894 است که در ستون چپ ویرایش تطبیق داده شده هتکلمن و در سمت راست آوانویسی کتاب مورد بحث قرار دارد. در خوانش اولیه هلک، که مترجم ویرایش کرده، در خط اول lg.(?)ut(?)pi 30 یا همان ۳۰ بار^۰ انجیر

خواننده شده که هنکلمن آن را 17 MEŠ.BAR 2 ŠE 7 30 و معادل ۳۰ بار جو می‌داند. به این دلیل که هیچ‌گاه pi- ut با شناسه MEŠ همراه نمی‌شود. ارفعی در ترجمه خط ۵ تا ۷ فقط به ذکر ماه دوم اکتفا کرده است. البته بخش اول نام ماه دوم turmar و ماه پنجم turmariš/ turmabaziš به هم شباهت دارد، اما با توجه به نام کامل ماه به نظر می‌رسد همان ماه پنجم صحیح باشد.

خوانش هنکلمن از روی متن اصلی	خوانش هلک با ویرایش ارفعی
Obverse	
(01) 30 ŠE 7 .BAR 17 MEŠ kur-mán ^{HAL}	1. 30 pi(?)ut(?)lg kur-min m.
(02) mi ⁻ tar-ba-nu-iš-na ^{HAL}	2. Mi ⁻ tar ⁻ ba-nu ⁻ iš-na m.
(03) na-pu ⁻ ut-ri-iš du-	3. na-pu ⁻ ut-ri ⁻ iš du-
(04) iš-da hu- ⁻ ut-taš ⁻	4. iš-da hu- ⁻ ut-taš ⁻
(05) da ^{AN} IT ^{MEŠ} [AN]	5. da d.ITL. 'lg' [d.]
(06) tu-ir [?] -ma- ⁻ ra-iš ⁻	6. tu-ir(?) ⁻ ma-r[a-i]š-
(07) na ^{-AS} [be-ul] 24 [?]	7. na d.[be-ul] 24(?) ⁻
Lower edge	Edge
(08) um-me-man-na ⁻	8. [u]m-me-man-na ⁻

۳.۴ ترجمه فارسی متن‌ها

ارفعی در این کتاب دو ترجمه انگلیسی و فارسی از متن‌ها ارائه داده که سبک ترجمه انگلیسی متن کاملاً منطبق با روش هلک و کلمه به کلمه است و در ترجمه فارسی نیز از همین روش پیروی کرده‌اند، اما ترجمه فارسی متن اشکالاتی دارد که می‌توان آن‌ها را به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول به ترجمه اصطلاحات مربوط می‌شود که ترجمه فارسی آن‌ها با محتوای متن تفاوت دارد و مفهوم متفاوتی را به خواننده منتقل می‌کند. گروه دوم کاربرد واژه‌های ناآشنا و در بعضی موارد ابداعی و در مواردی براساس دیدگاه شخصی مترجم برای عناوین شغلی، مکان‌ها، و برخی واژگان است.

در ترجمه اصطلاحات، با توجه به این که متن‌های بایگانی بارو اکثراً متون اقتصادی‌اند، بنابراین اصطلاحات به کار برده شده طبعاً با توجه به مفهومشان در کلیت متن ترجمه می‌شوند. در بالا به شغل شرمته اشاره شد که هلک آن را تقسیم‌کننده کالاها و جیره‌ها ترجمه کرده (Hallock 1969: 754)، اما برخی آن را سرپرست می‌دانند یا مسئولی که کالا در اختیارش است. پس این شخص هم می‌تواند مسئولیت کالاها را داشته باشد و هم آن را بین افراد یا

گروه‌های کار تقسیم کند (Cameron 1948: 50-51; Henkelman 2008: 136, 137) و این تعریف با محتوای برخی از متن‌ها مفهوم درستی را می‌رساند. برای مثال، در متن PF 2129/ NN 1176 در صفحه ۱۷۳ کتاب در دو خط ۶ و ۹ به اصطلاح شَرَمَنَه اشاره شده که نویسنده هم در ترجمه انگلیسی و هم فارسی متن هر دو را تقسیم‌کننده ترجمه کرده، به نحوی که از محتوای متن این‌گونه به نظر می‌رسد که ۳۰ بار شرابی که در ابتدا کورزیین و پوکه تقسیم کرده بودند، هَلوش به مکان تَدَری برده و دوباره شخصی به نام بَکِکِیَه آن را تقسیم خواهد کرد.

¹ 30 BAR flour,	۳۰ ^۱ (BAR) آرد (را)
²⁻⁴ Halluš took to Tandari, (the flour)	^{۲-۴} هَلوش به تَدَری برد، (آردی که)
⁴⁻⁵ (that) Kurziyan and Puka (evid. Ba'ka)	^{۴-۵} کورزیین و پوک (به احتمال بَوک)
⁶ had apportioned, (and)	^۶ تقسیم کرده بودند، (و)
⁷⁻⁸ delivered (it)	^{۷-۸} تحویل داد
⁸⁻¹⁰ Bakakeya (will be apportioning (it)	^{۸-۱۰} بَکِکِیَه (آن را) تقسیم خواهد کرد

ترجمه پیش‌نهادی برای این متن و نمونه متن‌های مشابهی که در گروه B و C وجود دارد به این صورت است:

^{۱-۴} ۳۰ بار آرد را هَلوش به تَدَری برد، ^{۴-۶} کورزیین و پوکه عهده‌دار آن (مسئول آن) بودند، ^{۷-۹} آن را تحویل داد، بَکِکِیَه آن را تقسیم خواهد کرد.

درواقع، با دقتی که در متن‌های بایگانی درزمینه محاسبات دیده می‌شود، اگر کالایی دو بار تقسیم می‌شد، مقدار آن را در هر دو بار ذکر می‌کردند. پس در متن‌هایی مشابه NN 1176، که مقدار کالا فقط یک بار ذکر شده، باید در ترجمه اصطلاح شَرَمَنَه به محتوای متن دقت داشت. نکته دیگر این‌که متن PF 2129/ NN 1176 دارای ۹ خط است، در صورتی که در ترجمه به خط ۱۰ لوح نیز اشاره شده است.

یکی دیگر از عبارات‌های بسیار رایج در متن‌های انبارداری گروه C، ukke zikakka است که هَلک آن را در انگلیسی had been deposited یا در مواردی deposited of ترجمه کرده است. در ترجمه انگلیسی کتاب حاضر نیز از همین عبارت استفاده شده، اما در فارسی در همه متن‌ها، برای نمونه PF 2254/ NN 1324، PF 2256/ NN 89، PF 2257/ NN 752، مترجم این عبارت را «واریز شده است» یا «به حساب نام شخص واریز شده» ترجمه کرده است. ترجمه انگلیسی کاملاً با محتوای متن هم‌خوانی دارد، زیرا موضوع این متن‌ها عبارت است از مقداری کالای مشخص (معمولاً انواع غلات) که به منظور نگه‌داری برای مدتی به یک

انبار یا یک انباردار سپرده می‌شود یا نزد وی به امانت می‌گذارند تا بعدها به‌عنوان بذریه یا برای هدف دیگری از آن استفاده شود. بنابراین با توجه به محتوای متن، در همه موارد ترجمه فارسی آن به «واریز کردن» با مفهوم برخی از متن‌ها چندانی هم‌خوانی ندارد. واریز کردن می‌تواند معنای انتقال دائمی را نیز برساند. صحیح‌تر آن است که این عبارت را «سپرده شدن»، «سپردن»، یا «امانت گذاشتن» ترجمه کرد. در مواردی که این عبارت همراه نام شخص می‌آید، مثلاً در PF 2219/ NN 1448، PF 2224/ NN 1151 و دیگر متن‌های گروه C₁ می‌توان آن را «به فلانی سپرده شد» یا «نزد فلانی امانت گذاشته شد» ترجمه کرد.

گروه دوم اشکالات ترجمه‌ای را می‌توان در ترجمه عناوین شغلی، نام مکان‌ها، و برخی نام‌های متفرقه دید که گاه در ترجمه فارسی از کلمه‌ای ناآشنا استفاده شده یا ترجمه با نام موردنظر هم‌خوانی ندارد. مترجم در ترجمه عناوین شغلی در متن‌های PF 2289/ NN 1418، PF 2290/ NN 143 و دیگر متن‌هایی که این عنوان شغلی آمده، کوردبیتیش (kurdabatiš) را کارگر بد ترجمه کرده که واژه‌ای نامأنوس است. کوردبیتیش در واقع مسئول کورتش‌ها (kurtaš) یا همان مسئول کارگران است و بهتر آن بود که همان سرکارگر یا مسئول کارگران ترجمه شود.

در متن PF 21 عنوانی شغلی که هلک معادل انگلیسی آن را wine carrier آورده، مترجم در فارسی آن را «شراب‌برنده» ترجمه کرده است، که بهتر بود «شراب‌دار» ترجمه شود. هم‌چنین در متن PF 2164/ NN 2241 و متن‌های مشابه دیگر واژه stockyard دامگاه ترجمه شده که در فارسی به معنای تله است، در حالی که می‌شد آن را محل نگهداری دام یا دام‌داری ترجمه کرد.

هلک واژه Kapnuiški را در متن‌های PF 2160/ NN 344، PF 2165/ NN 1811 و نمونه‌های مشابه treasury ترجمه کرده که نویسنده آن را به فارسی گنجینه ترجمه کرده است. از نظر لغوی، گنجینه محل نگهداری اشیای گران‌بها را به ذهن متبادر می‌کند، در حالی که در متنی که درباره تحویل پوست گاو (PF 2163/ PF 1638) یا تحویل گوشت یا فعالیت‌های روزمره اداری است، مصداقی ندارد. پس بهتر آن است که مخزن ترجمه شود، زیرا خزانه هم می‌تواند محل نگهداری اشیای گران‌قیمت باشد و هم مرکزی برای فعالیت‌ها و امور اداری، همان‌طور که خزانه تخت جمشید چنین نقشی داشت.

مثال دیگر آن‌که، مترجم قبل از نام بسیاری از جای‌نام‌ها، مثلاً در PF 2125/ NN 587، PF 2126/ NN 2549 و PF 2127/ NN 436 و بسیاری از متن‌های دیگر، مکرر کلمه شهر را آورده است. در صورتی که بسیاری از این‌ها شهر نیستند و می‌توانند یک روستا یا ده کوچک یا

حتی یک ایستگاه سفر باشند و در این میان، تعداد اندکی از مکان‌ها مانند شوش، هیدلی (Hidali)، هونر (Hunar)، و لیدومه (Liduma) را می‌توان شهر دانست. بر مبنای ترجمه حاضر، حدود ۷۰۰ نام‌جای ذکر شده در بایگانی باروی تخت جمشید شهرند که چنین مسئله‌ای درباره حوزة فارس و شمال خوزستان^۱ غیرمنطقی و دور از واقعیت است و مدارک باستان‌شناسی نیز آن را تأیید نمی‌کنند. هلك در ابتدای بسیاری از نام مکان‌ها واژه place یا مکان را به کار می‌برد که نشان دهد منظورش جای نام است، پس اگر هدف نویسنده مشخص کردن جغرافیایی بودن نام بوده، بهتر بود که جای شهر همان کلمه مکان را استفاده می‌کرد، زیرا شهر تعریف و معنای خاص خود را دارد. نکته دیگر آن‌که، مترجم نظر شخصی خود مربوط به انتساب برخی از این جای‌نام‌ها به برخی مکان‌ها یا شهرهای امروزی را در ترجمه فارسی قید کرده است، در صورتی که چون متن ترجمه لوح عیلامی است، بهتر بود همان صورت اصلی آن در ترجمه آورده شود و نظر خود مبنی بر موقعیت مکانی آن جای‌نام را در پی‌نوشت ذکر می‌کرد. برای مثال، در متن‌های PF 2131/ NN 2210 یا PF 2150/ NN 1253 رگن (Rakkan) را زرقان، در متن PF 2138/ NN 935 اومپورنوش (Umpurnuš) را انبوران، و در PF 2144/ NN 886 هیرن (Hiran) را به خیر منتسب کرده است. درباره املای نام‌ها و اصطلاحات نیز مترجم فارسی به استفاده از «های غیرملفوظ» در فارسی تمایلی ندارد و واژه‌های منتهی به یک حرف صدادار را بدون «ه» نوشته و روی حرف ساکن انتهایی اعراب گذاشته است. مانند نام «لیدومه» که نویسنده آن را «لیدوم» نوشته است. این کار در فارسی رایج نیست. مانند این که خانه را خان یا خان بنویسیم.

۵. شناسایی نقش مهرها

تنوع نقش و سبک مهرها در بایگانی باروی تخت جمشید این نقش‌ها را به یکی از مهم‌ترین موضوعات مطالعاتی در زمینه هنر هخامنشی تبدیل کرده است. از آن‌جا که هلك تمرکز خود را بر خوانش متن‌ها گذاشته بود، وی با همکاری هلن کنتور بخشی از مهرها را شناسایی کرد که تا زمان انتشار کتاب *بایگانی باروی تخت جمشید* حدود ۳۶۰ نقش مهر را شناسایی کردند و به آن‌ها کد اختصاری PFS داده بودند که هر مهر شماره خاص خود را داشت. این مهرها به‌جز چند مورد خاص منتشر نشده بودند. از حدود ۱۹۸۸م مارک گریسون، با همکاری مارگارت روت، مطالعه تخصصی بر نقش مهرها را آغاز و در متن‌های PF که هلك و کنتور فقط ۳۶۰ مهر شناسایی کرده بودند، این تعداد را به ۱۱۷۰ رسانده‌اند و ادامه کار آن‌ها در سال‌های اخیر بر متن‌های NN این تعداد را به حدود ۳۴۰۰ مهر رسانده

است (Garrison 2017: 521-524; Stolper 2017b: XLIX). در صفحات ۱۱-۱۴ کتاب حاضر فهرستی از شماره‌های مهرها آورده شده و با کتاب گریسون و روت (Garrison and Root 2002) تطبیق داده شده است. در صفحات ۱۵-۱۶ نیز نویسنده فهرستی از مهرها ارائه داده که آن‌ها را منتشر نشده معرفی کرده است. این مسئله نشان‌دهنده ناآشنایی و حتی عدم جست‌وجو برای شناسایی مهرهاست؛ زیرا بسیاری از مهرهایی که مهرهای منتشر نشده معرفی شده‌اند، در سالیان اخیر در مجموعه آثار متعدد مارک گریسون و مارگارت روت منتشر شده‌اند که نویسنده می‌توانست از آن‌ها بهره‌برد. نکته دیگر این‌که، زیر تصاویر مهرها در صفحات ۲۰-۲۵ کتاب به ذکر این‌که برداشتی از کتاب گریسون و روت است، اکتفا کرده‌اند که خود جای بسی تعجب است که هیچ ارجاعی به طراح اصلی و شماره صفحه کتاب داده نشده است (برای مطالعه بیشتر در باره مهرهای منتشر شده بایگانی بارو، بنگرید به Garrison 1988, 2008, 2011a, 2011b, 2017).

۶. نتیجه‌گیری

امروزه بر هیچ پژوهش‌گر مطالعات هخامنشی اهمیت مجموعه بایگانی‌های اداری هخامنشی، به‌ویژه بایگانی باروی تخت جمشید و نقش آن در شناخت ساختار اداری، اقتصاد، دین، سلسله‌مراتب اجتماعی، جایگاه زنان، جغرافیای تاریخی، و جنبه‌های متعدد دیگر این دوره پوشیده نیست. با وجود اهمیت این مجموعه، متأسفانه سهم پژوهش‌گران ایرانی در این زمینه بسیار اندک بوده و انتشار کتاب‌ها و مقالات پژوهش‌گران ایرانی باعث خرسندی است. اما همان‌طور که اشاره شد، کتاب حاضر از نظر رعایت اخلاق علمی در سطح بین‌المللی بحث‌برانگیز است. از سوی دیگر، یکی دیگر از ضعف‌های عمده کتاب استفاده نکردن از پژوهش‌های جدید در زمینه متون عیلامی هخامنشی و بایگانی باروی تخت جمشید است، به نحوی که خواننده احساس می‌کند کتابی مربوط به ۴۰ الی ۵۰ سال پیش را ورق می‌زند.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای اطلاع درباره روند پروژه بایگانی باروی تخت جمشید به گزارش‌های سالانه آن بنگرید: Stolper 2004, 2005, 2006, 2007, 2008, 2009, 2010, 2011, 2012, 2013, 2014, 2015, 2016, 2017
2. <[https:// oi.uchicago.edu/research/projects/persepolis-fortification-archive](https://oi.uchicago.edu/research/projects/persepolis-fortification-archive)>.

۳. فهرستی از انتشارات اصلی پس از سال ۱۹۸۰م به پیوست ضمیمه شده است.
4. <http://www.achemenet.com/en/item/?/achaemenid-museum/object_categories/tablets/persepolis-fortification>.
۵. واحد وزن هر بار در حدود ۱۰ کیلوگرم است.
۶. محدوده جغرافیایی تحت کنترل بایگانی باروی تخت جمشید.

کتاب‌نامه

هلک، ریچارد ت. (۱۳۹۵)، *گل‌نیشته‌های باروی تخت جمشید متن‌های A-G*، ترجمه و ویراسته عبدالمجید ارفعی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی با همکاری مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

- Cameron, G. G. (1948), *Persepolis Treasury Tablets*, Oriental Institute Publications 65, Oriental Institute: Chicago.
- Garrison, M. B. (1988), *Seal Workshop and Artists in Persepolis: A Study of Seal Impressions Preserving the Theme of Heroic Encounter on the Persepolis Fortification and Treasury Tablets*, PhD Dissertation, University of Michigan (UMI 8907034), Ann Arbor.
- Garrison, M. B. (2008), "The Uninscribed Tablets from the Fortification Archive: a Preliminary Analysis", in: *L'archive des Fortifications de Persépolis. État des Questions et Perspectives de Recherche*, P. Briant, W. Henkelman and M. Stolper, (eds.), Paris.
- Garrison, M. B. (2011a), "The Seal of 'Kuraš Anšanite, son of Šešpeš' (Teispes), PFS 93: Susa-Anšan-Persepolis", in: *Elam and Persia*, J. Alvarez-Mon and M. Garrison (eds.), Winon Lake.
- Garrison, M. B. (2011b), "By the Favor of Auramazdā: Kingship and the Divine in the Early Achaemenid Period." in: *More than Men, Less than Gods: Studies on Royal Cult and Imperial Worship; Proceedings of the International Colloquium Organized by the Belgian School at Athens (November 1–2, 2007)*, P. P. Iossif, A. D. Chankowski, and C. C. Lorber (eds.), Leuven: Studia Hellenistica 51.
- Garrison, M. B. (2017), "Sealing Practice in Achaemenid Times", in: *The Administration of the Achaemenid Empire: Tracing the Imperial Signature; Celebratory Conference on the Occasion of the 80th Anniversary of the Discovery of the Persepolis Fortification Archive*, Wouter F. M. Henkelman and Bruno Jacobs (eds.), Basel.
- Garrison, M. B. and M. C. Root (1998), *Persepolis Seal Studies, An Introduction with Provisional Concordances of Seal Numbers and Associated Documents on Fortification Tablets 1-2087*, Leiden [Updates on www.achemenet.com].
- Garrison, M. B. and M. C. Root (2002), *Seals on the Persepolis Fortification Tablets, part 1: Images of Heroic Encounter*, 2 vols., Chicago.
- Hallock, R. (1960), "A New Look at the Persepolis Treasury Tablets", *Journal of Near Eastern Studies*, vol. 19, no. 2.

- Hallock, R. (1969), *Persepolis Fortification Tablets* (OIP 92), Chicago.
- Hallock, R. (1978), *Selected Fortification Texts*, CDAFI 8.
- Henkelman, W. F. M. (2008), *The Other Gods Who Are: Studies in Elamite-Iranian Acculturation Based on the Persepolis Fortification Texts*, Leiden.
- Hinz, W. and H. Koch (1986), *Elamisches Wörterbuch*, 2 vols., (Archäologische Mitteilungen aus Iran Erg. Bd. 17), Berlin.
- Stolper, M. W. (2004), "Persepolis Fortification Archive Project", in: *The Oriental Institute 2006–2007 Annual Report*, Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Stolper, M. W. (2005), "Persepolis Fortification Archive Project", in *The Oriental Institute 2006–2007 Annual Report*, Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Stolper, M. W. (2006), "Persepolis Fortification Archive Project", in: *The Oriental Institute 2006–2007 Annual Report*, Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Stolper, M. W. (2007), "Persepolis Fortification Archive Project", in *The Oriental Institute 2006–2007 Annual Report*, Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Stolper, M. W. (2008), "The Persepolis Fortification Archive Project", in *The Oriental Institute 2007–2008 Annual Report*, Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Stolper, M. W. (2009), "Persepolis Fortification Archive Project", in *The Oriental Institute 2008–2009 Annual Report*, Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Stolper, M. W. (2010), "Persepolis Fortification Archive Project", in *The Oriental Institute 2009–2010 Annual Report*, Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Stolper, M. W. (2011), "Persepolis Fortification Archive Project", in *The Oriental Institute 2010–2011 Annual Report*, Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Stolper, M. W. (2012), "Persepolis Fortification Archive Project", in: *The Oriental Institute 2011–2012 Annual Report*, Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Stolper, M. W. (2013), "Persepolis Fortification Archive Project", in: *The Oriental Institute 2012–2013 Annual Report*, Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Stolper, M. W. (2014), "Persepolis Fortification Archive Project", in: *The Oriental Institute 2012–2013 Annual Report*, Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Stolper, M. W. (2014), "Case in Point: The Persepolis Fortification Archive", in: *Archaeologies of Texts: Archaeology, Technology and Ethics*, M. Rutz and M. Kersel (eds.), London: Oxbow Books.
- Stolper, M. W. (2015), "Persepolis Fortification Archive Project", in: *The Oriental Institute 2012–2013 Annual Report*, Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Stolper, M. W. (2016), "Persepolis Fortification Archive Project", in: *The Oriental Institute 2012–2013 Annual Report*, Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Stolper, M. W. (2017a), "Persepolis Fortification Archive Project", in: *The Oriental Institute 2012–2013 Annual Report*, Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Stolper, M. W. (2017b), "Investigating Irregularities at Persepolis", in: *The Administration of the Achaemenid Empire: Tracing the Imperial Signature; Celebratory Conference on the Occasion of the 80th Anniversary of the Discovery of the Persepolis Archive*, F. Wouter, M. Henkelman, and Jacobs Bruno (eds.), Basel.

Tavener, J. (2007), *Iranica in the Achaemenid Period (ca. 550-330 B.C.), Lexicon of Old Iranian Proper Names and Loanwords, Attested in Non-Iranian Texts*, Leuven-Paris.

Tavener, J. (2008), "Multilingualism in the Fortification and Treasury archives", P. Briant, W. F. M. Henkelman, and M. W. Stolper (eds.), in: *L'archive des Fortifications de Persépolis: état des Questions et Perspectives de Recherches* (Persika 12), Paris.

